

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و سوم ۱۳۹۶/۰۹/۱۳

لزوم پاسخگویی روشمند به شبهات (۲۲) - شایستگی های لازم یک پاسخگو به شبهات (۸)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در رابطه با شرایط و اهلیت کسی است که متصدی پاسخگویی به شبهات است. عرض کردیم یکی از این شرایط، بحث توسل به اهلبیت (علیهم السلام) است. بدون توسل به آن بزرگواران قطعاً نمی‌توانیم ره به جایی ببریم.

بحث توسل به ائمه طاهرين یکی از اساسی‌ترین مباحثی است که ما باید در تمام امور زندگی خود اعم از مسائل دنیوی و اخروی، مادی و معنوی به آن توجه کنیم. چون آن بزرگواران واسطه فیض میان خالق و مخلوق هستند. در کتاب «فرائد السمطين» اثر «حموی» در رابطه با حضرت آدم (علی نبینا و آله و علیه السلام) نقل شده است که وقتی از بهشت بیرون می‌آید و سرگردان هست، مُلهم می‌شود که به خمسه طیبه متوسل شود. اگر ادعا کنیم که توسل حضرت آدم به خمسه طیبه یا نبی گرامی اسلام متواتر است حرف مبالغه‌ای نیست. این روایت هم در منابع شیعه وارد شده است و هم در منابع اهل سنت.

جالب اینجاست که حضرت آدم به خمسه طیبه متوسل می‌شود. در این حال خداوند عالم خطاب می‌کند: از کجا فهمیدی که این بزرگان محبوب درگاه من هستند تا به آنها متوسل شوی؟!

حضرت آدم عرض می‌کند: من نگاه کردم و دیدم که اسامی این افراد را به اسامی خودت مقرون کردی. من می‌دانم این بزرگواران محبوب‌ترین خلایق هستند.

این مطالب در کتاب «مجموع الفتاوی» اثر «ابن تیمیه» نیز وارد شده است، اما اجازه بدهید این روایت را از کتاب «مستدرک علی الصحیحین» بیاورم که با سند صحیح نقل می‌کند. در جلد دوم این کتاب وارد شده است:

« لما اقترف آدم الخطیئة قال يا رب أسألك بحق محمد لما غفرت لي فقال الله يا آدم وكيف عرفت

محمدًا ولم أخلقه »

خداوند می‌فرماید: یا آدم! چطور آنان را شناختی در حالی که من هنوز آنها را خلق نکردم؟!

« قال يا رب لأنك لما خلقتني بيدك ونفخت في من روحك رفعت رأسي فرأيت على قوائم العرش

مكتوبا لا إله إلا الله محمد رسول الله فعلمت أنك لم تضيف إلي اسمك إلا أحب الخلق إليك »

من می‌دانم جز محبوب‌ترین خلایقت را مقرون به کلمه توحید نمی‌کنی.

« فقال الله صدقت يا آدم إنه لأحب الخلق إلي ادعني بحقه فقد غفرت لك ولولا محمد ما خلقتك »

در مورد سند این روایت وارد شده است:

« هذا حديث صحيح الإسناد »

المستدرک علی الصحیحین ، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري ، دار النشر :

دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد القادر عطا، ج ۲،

ص ۶۷۲، ج ۴۲۲۸

ولی در کتاب «فرائد السمطین» تعبیری آمده است که در دیگر کتب نیامده است. در آن منابع دارد که حضرت

آدم تنها به نبی گرامی اسلام متوسل شد. ولی در آنجا آمده است که حضرت آدم به خمسه طیبه متوسل شد.

خداوند فرمودند:

« فأنا محمود و هذا محمّد، و أنا العالی و هذا علی، و أنا الفاطر و هذه فاطمة، و أنا الإحسان و هذا الحسن، و أنا المحسن و هذا الحسین»

فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام، حموي جويني، ابراهيم بن سعد الدين (م ۷۳۰)، مؤسسة المحمود، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ هـ. ق. ج ۱، ص ۲۲

در بعضی از منابع وارد شده است که خود حضرت آدم گفت:

« يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَالِي بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۴، ص ۲۴۵، ح ۴۴

جالب اینجاست که خداوند عالم به حضرت آدم خطاب فرمود:

« فإذا كان لك إلي حاجة فبهؤلاء توسل»

سپس نبی گرامی اسلام فرمودند:

« نحن سفينة النجاة، من تعلق بها نجا، و من حاد عنها هلك فمن كان له إلى الله حاجة فليسال بنا أهل

البيت»

هرکسی حاجتی دارد به ما اهل بیت متوسل شود.

فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام، حموي جويني، ابراهيم بن سعد الدين (م ۷۳۰)، مؤسسة المحمود، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ هـ. ق. ج ۱، ص ۲۲

همچنین در کتاب «الدر المنثور» اثر «سیوطی» روایتی نقل شده است که می گوید:

« سأل بحق محمد وعلي وفاطمة والحسين ألا تبت علي فتاب عليه»

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي ، دار النشر : دار الفكر - بيروت

- ١٩٩٣، ج ١، ص ١٤٧، باب سورة البقرة : (٣٧) فتلقى آدم من...

حال بعضی از آقایان تلاش کردند خمسه طيبه را به رسول گرامی اسلام بسنده کنند که عقاید خاص خودشان است.

جالب اینجاست که در کتاب «الدر الصحابة في مناقب الغرابة» توسل نبی گرامی اسلام به خودشان وارد شده است. در کتاب «مصباح الظلام» تعبیری وارد شده است و شعری سروده شده است. این شعر چنین است:

«و به توسل آدم فی ذنبه و تشفعت بمقامه حواء

و به توسل نوح فی طوفانه فأجيب حين طغى عليه الماء

و به دعا إدريس فارتفعت عند الاجابة رتبة العلياء

و به أستجيب دعاء أيوب و قد عودى به عند المصاب بلاؤوا

و به نجى من بطن حوط يونس لما دعى و تجلة الظلماؤوا

و أرتد يوسف يعقوب بصير إذ دعى بالمصطفى فعليه عاد ضياؤوا

و به تمكن يوسف فى مصره من بعد ما عودت به الضراؤوا

و مها الإله خطأ داود به و له استجيب تضرع و دعاؤوا

و به سليمان إستجارف عادعا كذب إليه الملك كيف يشاؤوا

و به الخلیل نجی من النار التی أذکی ضرام لهیبها الأعداؤوا

و به الذبیح فدی بذبح جائه فله كما شهد الكتاب فداؤوا

و بمحمد فاز الکلیم بطوره لما عطاہ من الإله نداؤوا

و ببعثه التوراة یشهد لفظها بالمصطفی و به علیه ثناؤوا

و کذاک یحیی عاد معصوما به و له عن الذنب دنی إباؤوا

و به استجارت مریم فی حملها فأجار عن کسب ذال عناؤوا

و بسرّه عیسی توسل فانثنی من شأنه بین الیحیاؤوا»

این شعر به این اشاره دارد که هیچ نبی مبعوث نشده الا اینکه مردم به نبی و اهل بیت او متوسل شدند. حال ما کاری با آنها نداریم که این آقایان، اهل بیت رسول گرامی اسلام را حذف می کنند. ولی آنچه در اینجا مهم است این است که توسل انبیاء بر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) کاملاً مشهود و روشن است.

پرسش:

آیا «بخاری» مخالف توسل بود؟! ظاهراً در «صحیح بخاری» موردی از توسل نیامده است.

پاسخ:

توسل عمر بن خطاب به پیغمبر اکرم و عباس عموی آن بزرگوار در این کتاب آمده است.

« اللهم إنا كنا نتوسلُ إليك بنبيينا فتنسقيننا وإنا نتوسلُ إليك بعَمِّ نبيينا فأسقنا »

الجامع الصحيح المختصر ، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي ، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٣٤٢، ح ٩٦٤

این روایت را بچه‌های کوچک هم حفظ هستند. شما باید به خاطر حفظ نبودن این روایت جریمه پردازید. عزیزان به این روایت هم دقت کنید. آقای «آلوسی» در کتاب «تفسیر» خود جلد ١٥ صفحه ١٢٦ ذیل آیه شریفه:

(وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید.

سوره مائده (٥): آیه ٣٥

می‌نویسد:

« فكل من عبد من دون الله تعالى من عيسى وعزير والملائكة عليهم السلام وسيلتهم إلى الله تعالى نبينا بل هو عليه الصلاة والسلام وسيلة سائر الموجودات والواسطة بينهم وبين الله تعالى في إفاضته سبحانه الوجود»

سپس می‌نویسد:

« وكان نبينا آدم بين الماء والطين وقد تلقى الأنبياء منه من وراء حجاب الأرحام والأصلاب»

واسطه تمام انبیاء در صلب پدرانشان و رحم مادرانشان بین خودشان و خداوند عالم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده است.

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين
السيد محمود الألوسي البغدادي ، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ١٥، ص ١٢٦، باب
الإسراء : (٧٢) ومن كان في

پرسش:

توسل در رابطه با موجودات و حیوانات چطور قابل تصور است؟!

پاسخ:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ)

و هر موجودی تسبیح و حمد او می گوید.

سوره إسراء (١٧): آیه ٤٤

تسبیح شعور می خواهد یا نمی خواهد؟! شعوری که تسبیح خدا را می فهمد توسل را هم می فهمد. هر حیوانی و هر جماداتی به درک خودش آن را می فهمد.

« أَلَمْ يَكُنْ فِي السَّمَاوَاتِ دَوْرَاتٌ وَ لَا فِي الْأَرْضِ عَمْرَاتٌ وَ لَا فِي الشَّجَرِ وَرَقَاتٌ وَ لَا فِي الْأَجْسَامِ
حَرَكَاتٌ وَ لَا فِي الْعُيُونِ لَحْظَاتٌ وَ لَا فِي النُّفُوسِ خَطَرَاتٌ إِلَّا وَهِيَ بِكَ عَارِفَاتٌ وَ لَكَ شَاهِدَاتٌ وَ عَلَيْكَ
دَالَاتٌ وَ فِي مُلْكِكَ مُتَحَيِّرَاتٌ»

خدایا گردش آسمان ها و فرورفتگی زمین ها و برگ درختان و حرکت اجسام و هر نگاه چشم و هر
جرقه ذهنی، به تو معرفت دارد، و بر تو شاهد است و نشانه های توست، و در حوزه فرمانروایی ات
متحیر است. پس به قدرتی که با آن اهل زمین و آسمان را تحت تسخیر خود درآورده ای، قلب

آفریدگانت را هم به تسخیر من دریاور، که تو بر هر کاری توانایی، و به اجابت دعاها شایسته. می گوید حتی نگاهی که می کنیم و نفسی که می کشیم هم، مشغول تسبیح خداوند هستند.

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ)

اگر ما در این آیه شریفه دقتی داشته باشیم همه چیز حل خواهد شد.

روی این جهت عزیزان دقت کنند تا یک مرتبه خدای نکرده کار به جایی نرسد که تمام در و دیوار حتی لباس های ما مشغول تسبیح خداوند باشند و ما از تسبیح خداوند عالم غافل باشیم.

در هر صورت...

در رابطه با پاسخگویی به شبهات و مناظرات، بعد از اخلاص و توکل بر خداوند عالم، توسل به اهل بیت (علیهم السلام) اساس کار است. اگر کسی بخواهد در این کشتی پر طوفان موفق باشد باید از این راهها وارد شود.

خداوند عالم از یک طرف می فرماید:

(إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)

و از طرف دیگر می فرماید:

(وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)

اگر ما به پیغمبر اکرم یا ائمه طاهرین (علیهم السلام) متوسل شویم به این نیت که آن بزرگواران مستقل هستند و استقلال دارند، این کفر است. ولی اگر ما به پیغمبر اکرم و ائمه طاهرین متوسل شویم صحیح است. همانطور که می گوئیم:

(وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا)

و آنها را که در اسماء خدا تحریف می‌کنند (و بر غیر او می‌نهند و شریک برایش قائل می‌شوند) رها سازید.

سوره اعراف (۷): آیه ۱۸۰

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«نحن والله الأسماء الحسنى التي أمر الله أن تدعوه بها»

به خدا سوگند اسماء حسنی الهی که خداوند به اطاعت از آن امر فرموده ما هستیم.

مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، نویسنده: سلیمانی آشتیانی، مهدی و درایتی، محمد حسین،

ج ۲، ص ۴۲۱، باب شرح زیارة الحسین علیه السلام

یک مرتبه شما می‌خواهید به ذات حق متوسل شوید و به همین خاطر (إِيَّاكَ تَعْبُدُ) می‌گویید و استمداد از ذات

الهی می‌خواهید، اما یک مرتبه (وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) می‌گویید و از اسماء الهی استمداد می‌کنید.

اگر اسماء هست اهل بیت (علیهم السلام) اصدق و اظهر مصادیق اسماء الله هستند. از طرف دیگر خداوند عالم می‌فرماید:

(وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ)

از صبر و نماز یاری جوید.

سوره بقره (۲): آیه ۴۵

حال اگر (وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ) را با (وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ) کنار هم بگذارید همین معنی استخراج می‌شود.

توسل و استعانت از خداوند عالم یک مرتبه مستقیم است؛

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش

نگاهدار!

سوره بقره (۲): آیه ۲۰۱

اما یک مرتبه با اسماء حسناى الهى است و مى فرماید:

وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوهُ بِهَا

ما یک مرتبه متوسل به اعمال خود مى شویم و اعمال خود را نزد خداوند متعال واسطه قرار مى دهیم.

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا

پروردگارا، ما صدای منادی توحید را شنیدیم، که دعوت مى کرد به پروردگار خود ایمان بیاورید و ما

ایمان آوردیم.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۹۳

و:

«إِلٰهِي أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَ هُوَ التَّوْحِيدُ وَ لَمْ أَغْصِكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ فَاعْفُزْ لِي

مَا يَبْتَهُمَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۱،

ص ۱۰۱، ح ۱۴

این دعا توسل به اعمال است. حال ما یک مرتبه به انبیاء الهی متوسل مى شویم و مى گوییم:

(يا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)

پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه که ما خطاکار بودیم.

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

:و

(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)

و اگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمانهای خدا را زیر پا می‌گذاشتند) به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

سوره نساء (۴): آیه ۶۴

مشاهده کنید که توسل اقسام مختلفی دارد و یک قسم نیست. بنابراین آقایان وهابی چشمشان نابیناست همانطور که قلبشان کور است. آنها یک آیه را می‌خوانند؛

(وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...)

معبودهایی را که غیر از خدا می‌خوانند.

سوره نحل (۱۶): آیه ۲۰

اولاً (دُونِ اللَّهِ) به معنای چیزی است که خلاف جهت خداوند است. این کلمه با غیر الله متفاوت است. کلمه (دُونِ) به معنای این است که نستجیر بالله خداوند عالم اینطرف است و شما به خداوند پشت می‌کنید.

ولی اگر خداوند در یک جهت است و ائمه طاهرين هم در همان جهت هستند در حقيقت استعانت از اهلبیت استعانت از الله است، زیرا اهلبیت هرچه دارند از خدا دارند.

اگر شما از یک پيرزن بی سواد روستایی سؤال کنید که وقتی به زیارت امام رضا آمدید و از امام رضا حاجت می خواهید آیا امام رضا خودش حاجت شما را می دهد یا با قدرت و اذنی که خداوند به او داده حاجت شما را می دهد؟!

همان پيرزن هم همین جواب را به شما می دهد و در آن هیچ شک و شبهه ای نیست. بنابراین بحث توسل به اهلبیت (علیهم السلام) به این شکل است. به عنوان مثال قرآن کریم در رابطه با حضرت عیسی می فرماید:

(وَ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَ يُمِيت)

او کسی است که زنده می کند و می میراند.

سوره مؤمنون (۲۳): آیه ۸۰

ما ده ها آیه داریم که احیا و اماته را مستقیم به خداوند عالم نسبت می دهد. از طرف دیگر نسبت به حضرت عیسی می فرماید:

(وَ أُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ)

و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم.

سوره آل عمران (۳): آیه ۴۹

اگر کسی بگوید: "یا عیسی! فرزند مرا که مرده است زنده کن"؛ آیا کفر است؟! در این زمینه آیه ای جالبتر وجود دارد که ما معمولا آن را مثال می زنیم. خداوند عالم در رابطه با قبض روح به صراحت می فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

خداوند ارواح را به هنگام "مرگ" قبض می‌کند.

سوره زمر (۳۹): آیه ۴۲

در این آیه شریفه خبر مقدم شده و دلیل بر حصر است. در این آیه «یتوفی الله الأنفس» وارد نشده، بلکه می‌فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

در جای دیگر می‌فرماید:

(قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)

بگو: فرشته مرگ که بر شما مامور شده (روح) شما را می‌گیرد.

سوره سجده (۳۲): آیه ۱۱

این آیه خیلی واضح مسئله را روشن می‌کند. من واضح‌تر از این آیه ندیدم حال اگر دوستان دیده باشند ما را هم راهنمایی کنند!

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

و:

(قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ)

پرسش:

در دعای ماه رجب می‌خوانیم:

«لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ خَلْقُكَ فَتَقُهَا وَ رَتَقُهَا بِيَدِكَ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۵،

ص ۳۹۳، ح ۱۲

اینجا تجلی صفات الهی است و فرقی بین اینها نیست.

پاسخ:

بیان این کلام در بعضی از جاها درست است. ما روایات زیادی داریم که نشان بدهد خداوند عالم تمام آنچه را که از قدرت و اسماء حسنی دارد به اهل بیت تفویض کرده است.

امام خمینی (رحمة الله علیه) در جواب آقای «قدیری» حدیث تفویض را بیان کردند و در جواب ادعای ایشان مبنی بر اینکه از بعضی مطالب بوی غلو می‌آید سفارش کردند که حدیث تفویض را بخواند. این حدیث چنین است:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَدَبَ نَبِيِّهِ عَلَى مَحَبَّتِهِ فَقَالَ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ - مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ قَالَ ثُمَّ قَالَ وَ إِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ فَوَّضَ إِلَيَّ وَ ائْتَمَنَهُ فَسَلَّمْتُمْ وَ جَحَدَ النَّاسُ فَوَ اللَّهُ لَلْجِبُّكُمْ أَنْ تَقُولُوا إِذَا قُلْنَا وَ أَنْ تَصْمُتُوا إِذَا صَمْنَا وَ نَحْنُ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ خَيْرًا فِي خِلَافِ أَمْرِنَا»

به راستی خدا عز و جل پیغمبرش را به دوستی خود پرورید و فرمود (۴ سوره قلم): «و به راستی که تو دارای خلق عظیمی» سپس امر را بدو واگذار و فرمود (۷ سوره حشر): «آنچه را رسول (ص) به شما داد بگیرید و آنچه را بر شما غدقن کرد وانهیید» و باز خدا فرمود (۸۰ سوره نساء): «هر که از

رسول خدا فرمان برد از خدا فرمان برده است» گوید: سپس امام (ع) فرمود که: پیغمبر خدا کار را به علی (ع) واگذارد و او را امین دانست، شما شیعه این حقیقت را قبول کردید و مردم دیگر منکر شدند، به خدا ما دوست داریم که به همراه ما سخن گوئید و به همراه ما خموشی گیرید و ما میان شما و خدا عز و جل واسطه‌ایم و هم مسئول، خدا برای احدی در مخالفت امر ما خیری مقرر نکرده است. این حدیث خیلی واضح و روشن است.

الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۱، ص: ۲۶۵؛ بَابُ التَّفْوِيضِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص وَ إِلَى الْأَيْمَّةِ ع فِي أَمْرِ الدِّينِ؛ ح ۱

همچنین تعبیری که من دیروز از مرحوم آیت الله العظمی کمپانی عرض کردم به همین صورت است. ایشان فقیه، مجتهد، اصولی و فیلسوف هستند که می‌گویند:

«لهم الولاية المعنوية والسلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية والتشريعية نظير ولايته تعالى»

حاشیه المکاسب، نویسنده: الشیخ الأصفهانی، ج ۲، ص ۳۷۹، باب أولیاء العقد

حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالى علیه) از استادشان «محمد رضا قمشهای» در کتاب «مصباح الهدایة» صفحه ۵۷ دارند که می‌گویند:

«الحقیقة المحمّديّة هي التي تجلّت في صورة العالم والعالم من الذرة إلى الدرّة ظهورها وتجلّيها»

مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية، نویسنده: السيد الخميني، ص ۵۷، باب نور ۱۹

این عبارت، عبارت بسیار زیبایی است که کاملاً هم با مبانی توحیدی سازگار است و بهانه‌ای هم دست شیاطین و خناث‌های وهابی هم نمی‌دهد.

موارد دیگری هم وجود دارد که بنده نمی‌خواهم توضیحات زیادی روی آن بدهم. ان شاء الله ما بتوانیم فردا این بحث را تمام کنیم. بحث صدق و صداقت و انصاف در مناظره هست.

ما در این زمینه عبارتی از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و دیگر ائمه طاهرين (عليهم السلام) آوردیم مبنی بر اینکه انسان نباید در بحث‌ها دروغ بگوید. نباید هدف وسیله را توجیه بکند.

ما نباید با دروغ گفتن، خیانت کردن، تقطیع کردن آیه و روایت بخواهیم طرف مقابل را مغلوب کنیم یا در پاسخ شبهات او با حيله و خیانت بخواهیم پاسخ بدهیم. به قول معروف بار کج به منزل نمی‌رسد!!

شاید در وقت مناظره به دلیل اینکه طرف بی‌خبر هست با تقطیع کردن یک آیه، حدیث یا یک عبارت و با دروغ نقل کردن بر طرف مقابل غلبه کند، اما بعدها که متوجه شوند ما با دروغ و خیانت و تقطیع بر طرف پیروز شدیم باعث شود طرفداران باطل در بطلان خود قوی‌تر شوند.

و وقتی طرفداران حق می‌فهمند که یک عالم شیعه در مناظره یا پاسخ به شبهات به حيله و مکر و خیانت متوسل شده است در اعتقاداتشان ضعیف می‌شوند. بنابراین آنچه برای ما ملاک است:

« النجاة في الصدق كما أن الهلاك في الكذب »

إرشاد القلوب / دیلمی، حسن بن محمد، مترجم: مسترحمی، هدایت الله، ج ۲، ص ۱۲۴

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته